

## بررسی وضعیت حکمرانی در بخش آموزش از منظر نظام ارتباطی آن در کشورهای جهان

امیر رجائی<sup>۱</sup>

### چکیده

در کشور ایران بخش آموزش حکمرانی منسجمی ندارد؛ زیرا تصدی امور مربوط به حوزه‌های آموزش عمومی، آموزش عالی و آموزش پزشکی به سه وزارتخانه واگذار شده است؛ درحالی‌که در بسیاری از کشورهای دنیا چنین تفکیکی دیده نمی‌شود. همچنین در این کشورها نه فقط این حوزه‌ها ذیل یک وزارتخانه (وزارت آموزش) مدیریت می‌شوند، بلکه گاهی حوزه‌های دیگری نیز نظیر علوم، پژوهش، فرهنگ، ورزش، فناوری، توسعه منابع انسانی، کارآموزی، دین، و جوانان زیر نظر این وزارتخانه قرار دارند؛ بنابراین هدف از مطالعه کنونی بررسی این نکته است که وضعیت حکمرانی بخش آموزش از منظر نظام ارتباطی آن در کشور ما و دیگر کشورهای جهان (زیرنظام‌های بخش آموزش و ارتباط آن با سایر بخش‌ها) چگونه است. بدین منظور با روش تطبیقی، نظام آموزش در برخی از کشورهای جهان از منظر نظام ارتباطی آن بررسی شد. نتایج حاکی از آن بود که در بسیاری از این کشورها، بخش آموزش حکمرانی منسجمی داشت و با برخی دیگر از حوزه‌ها هم‌افزایی نیز داشت؛ درحالی‌که در کشور ما این چنین نیست. در پایان پیشنهادهایی در مورد بهره‌مندی کشور از مزایای حکمرانی یک‌پارچه در بخش آموزش و نیز از تجمیع حوزه آموزش با سایر حوزه‌های هم‌افزانه شد.

واژگان کلیدی: حکمرانی، حکمرانی آموزش، نظام ارتباطی آموزش

### مقدمه

باعث بروز بسیاری از مسائل شده است. در این مورد برخی از صاحب‌نظران بر لزوم حکمرانی یک‌پارچه بخش آموزش تأکید کرده‌اند و نبود آن را از مشکلات اصلی نظام تعلیم و تربیت کشور برشمرده‌اند (رشید حاجی خواجی، ۱۳۹۶؛ قانع‌ی راد، ۱۳۹۶). همچنین در بسیاری از کشورهای جهان افزون‌بر اداره امور بخش آموزش، اداره امور برخی دیگر از حوزه‌ها نیز برعهده نهاد متولی آموزش است. این مسئله نشان‌دهنده بسیاری از موارد در مورد نظام ارتباطی آموزش در سایر کشورهای جهان است. در نتیجه در پژوهش کنونی هدف اصلی مقایسه وضعیت کلی حکمرانی

در کشور ایران تصدی امور مربوط به حوزه‌های آموزش عمومی، آموزش عالی و آموزش پزشکی هر یک به یک وزارتخانه واگذار شده است؛ درحالی‌که در بسیاری از کشورهای دنیا چنین تفکیکی دیده نمی‌شود. در این کشورها نه فقط این حوزه‌ها ذیل یک وزارتخانه (وزارت آموزش) مدیریت می‌شوند، بلکه گاهی حوزه‌های دیگر نیز نظیر علوم، پژوهش، فرهنگ، ورزش، فناوری، توسعه منابع انسانی، کارآموزی، دین، و جوانان زیر نظر این وزارتخانه قرار دارند؛ بنابراین این‌گونه به نظر می‌رسد که در کشور ما امر آموزش از حکمرانی یک‌پارچه‌ای ندارد که این خود

تصمیم‌گیری‌های مربوط و تصویب قوانین در سیستم‌های جغرافیایی سیاسی (ایالت‌ها یا کشورها) است. سایر نهادهای حکمران عبارت‌اند از سازمان‌ها (مانند شرکتی که دولت در مقام نهادی قانونی می‌شناسد)، گروه‌های سیاسی - اجتماعی (رئیس، قبیله، خانواده، مذهب و غیره) یا گروه‌های غیررسمی دیگر. در روابط کسب‌وکار و برون‌سپاری، چارچوب‌های حکمرانی از راه قراردادهای ارتباطی ساخته می‌شوند که همکاری و نوآوری را در درازمدت تقویت می‌کنند. به بیان دیگر، حکمرانی شیوه‌ای است که از آن راه قوانین، هنجارها و اقدامات ساختارمند، پایدار (ثبیت) و تنظیم می‌شوند تا بتوانند پاسخ‌گویی باشند. میزان رسمیت‌داشتن به قوانین داخلی سازمان خاص و نیز شرکای تجاری بستگی دارد. به همین ترتیب، حکمرانی ممکن است بنا به انگیزه‌های گوناگون شکل‌های بسیاری داشته باشد، که هر یک به نتایج گوناگونی ختم می‌شود؛ مثلاً حکمرانی ممکن است در قالب دموکراسی پیاده‌سازی شود، که در آن شهروندان به این می‌اندیشند که چه کسی باید حکمرانی کند و منفعت عامه، که همان هدف اصلی است، در چیست. حکمرانی در سطح خرد مانند حکمرانی سازمان‌های غیرانتفاعی ممکن است در دست هیئت مدیره‌ای کوچک باشد که اهداف مشخص‌تری را دنبال می‌کند. همچنین انواع بازیگران خارجی بدون قدرت تصمیم‌گیری در فرایند حکمرانی تأثیر می‌گذارند که عبارت‌اند از لابی‌ها، اتاق‌های فکر، احزاب سیاسی، سازمان‌های غیردولتی و رسانه‌ها. حکمرانی فرایندی است که طی آن کنشگران و نهادهای رسمی به اعمال قدرت و تصمیم‌گیری می‌پردازند و در شرایط زندگی مردم در آن جامعه تأثیر می‌گذارند (McGuinn and Manna, 2013).

از جمله مباحث مهم در مورد حکمرانی، مبحث فراحکمرانی است. کویمان فراحکمرانی را «حکمرانی بر حکمرانی» یا نحوه هدایت و جهت‌دهی به حکمرانی می‌داند (Kooiman, 2003). فراحکمرانی با آن دسته از اصول اخلاقی پذیرفته‌شده یا هنجارهایی مرتبط است که کل فرایند حکمرانی را شکل می‌دهد و به آن جهت می‌بخشد؛ باین حال باید اذعان کرد که شرایط تعریف‌شده واضحی نیست که در آن فراحکمرانی روی دهد و افراد مشخصی مسئولیتش را برعهده داشته باشند؛ بنابراین نباید فراحکمرانی را فقط نقش دولت‌ها در هدایت کنشگران این عرصه در جهتی خاص دانست، بلکه ممکن است به‌دست سایر کنشگران نیز اتفاق افتد (Sorensen, 2006). مثال‌هایی از این امر شامل انتشار اصول حکمرانی در بالاترین سطوح بین‌المللی، نظیر بانک جهانی (Onyango and Jentoft, 2010) و در حوزه‌هایی نظیر رسانه در بالاترین سطوح اجتماعی - فرهنگی است (Evans, 2012). این واقعیت که هنجارها ممکن است در هر سطحی شکل گیرند و در پی آن به کل فرایند حکمرانی شکل دهند بدان معناست که فراحکمرانی می‌تواند هم به‌منزله درون‌داد و هم به‌منزله برون‌داد نظام حکمرانی به‌شمار آید (Kooiman, 2003).

بخش آموزش در کشور ما با وضعیت آن در سایر کشورهای جهان از منظر نظام ارتباطی آن است. برای نیل به این هدف، در این بررسی تلاش می‌شود به این پرسش پاسخ داده شود که وضعیت حکمرانی بخش آموزش از منظر نظام ارتباطی آن در کشور ما و دیگر کشورهای جهان (زیرنظام‌های بخش آموزش و ارتباط آن با سایر بخش‌ها) چگونه است؟ به عبارت دیگر، تلاش می‌شود این نکته بررسی شود که آیا در سایر کشورهای جهان، به‌ویژه کشورهای پیشرو، وضعیت حکمرانی بخش آموزش از منظر نظام ارتباطی آن با شیوه ما مشابه است یا خیر و چنانچه پاسخ این پرسش منفی است بررسی شود که تا چه حد شیوه حکمرانی آن‌ها با شیوه ما تفاوت دارد. بدین ترتیب، با ارائه توصیفی از وضعیت حکمرانی بخش آموزش از منظر نظام ارتباطی آن در کشورهای دیگر و مقایسه آن با وضعیت کنونی کشور می‌توان در مورد ادامه روند کنونی حکمرانی بخش آموزش تصمیم‌گیری کرد و به‌منظور بهبود آن به پیشنهادهایی مبتنی بر تجارب سایر کشورها و نیز تجربه چندین دهه گذشته خود دست یافت.

## ۱. مبانی نظری

حکمرانی تمامی فرایندهای حکومت‌داری است که دولت، بازار یا شبکه اجرا می‌کند؛ بر خانواده، قبیله، سازمان رسمی یا غیررسمی یا قلمرو اعمال می‌شود و با اجرای قوانین، هنجارها، قدرت یا زبان جوامع سازمان‌یافته اعمال می‌شود (Bevir, 2013). بانک جهانی حکمرانی را شیوه اعمال قدرت در مدیریت منابع اقتصادی و اجتماعی هر کشور برای دستیابی به پیشرفت و توسعه تعریف می‌کند (The World Bank, 1991). این امر در ارتباط با فرایندهای تعامل و تصمیم‌گیری در میان بازیگران درگیر در مسائل جمعی است که منجر به خلق، تقویت یا بازتولید هنجارها و نهادهای اجتماعی می‌شود (Hufty, 2011). به عبارتی می‌توان حکمرانی را به‌منزله فرایندهای سیاسی توصیف کرد که در میان نهادهای رسمی دیده می‌شود. ریستسکا و همکاران حکمرانی را چگونگی اعمال قدرت در هر کشور از مجرای نهادهای (رسمی یا غیررسمی) سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به‌منظور بهره‌برداری از منابع برای رسیدن به اهداف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تعریف می‌کنند. از نظر آن‌ها، حکمرانی دربرگیرنده مجموعه رویه‌ها، اقدامات، و موجودیت‌هایی است که شهروندان هر جامعه را قادر می‌سازد بسیاری از امور خود را رتق و فتق کنند؛ اموری مانند پیگیری مباحث و مسائل، احقاق حق، انجام‌دادن وظایف و حل‌وفصل مناقشات خود. آنان پاسخ‌گویی، مسئولیت‌پذیری، و شفافیت را لازمه حکمرانی خوب می‌دانند (Risteska, 2010).

نهادهای گوناگونی، که عمدتاً با عنوان تشکیلات حاکمه از آن‌ها یاد می‌شود، می‌توانند حکمرانی کنند. رسمی‌ترین نوع این نهادها دولت است که سازمانی است که مسئولیت اصلی‌اش

آموزش ذیل همین وزارتخانه یا نهاد اداره می‌شوند. در ادامه نام نهاد متولی بخش آموزش در برخی از دیگر کشورهای جهان در جدول ۱ آمده است.

با توجه به مطالب بالا، هدف اصلی در پژوهش حاضر، پاسخ‌دادن به این پرسش است که وضعیت حکمرانی بخش آموزش از منظر نظام ارتباطی آن در کشور ما و دیگر کشورهای جهان (زیرنظام‌های بخش آموزش و ارتباط آن با سایر بخش‌ها) چگونه است؟ در ادامه توضیحاتی درباره روش‌شناسی ارائه می‌شود.

## ۲. روش‌شناسی

تحقیق کنونی از نظر نوع کاربردی و به لحاظ شیوه گردآوری و تحلیل داده‌ها توصیفی است؛ بنابراین در مطالعه حاضر از رویکرد کیفی و روش مطالعه اسنادی و نیز روش مقایسه تحلیلی استفاده خواهد شد تا داده‌ها به شکلی منطقی برای ارائه گردآوری و سازمان‌دهی شوند. از جمله ویژگی‌های رویکرد کیفی در پژوهش می‌توان به مواردی از این دست اشاره کرد: «اعتقاد به واقعیات متعدد، تعهد به پیروی از شیوه‌ای که به فهمیدن پدیده مورد نظر بینجامد، و اهمیت دادن به شرکت محقق در تحقیق» (ادیب حاج باقری و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۲۸). در مطالعه اسنادی، شواهد برگرفته از مطالعه اسناد (متون رسمی) بررسی می‌شوند که همان پژوهش‌های مرتبط با پدیده‌های موجود است. در این روش مراحل کار عبارت‌اند از:

۱. انتخاب موضوع، تعیین اهداف و پرسش‌ها؛

۲. بررسی اکتشافی پیشینه پژوهش؛

۳. انتخاب رویکرد نظری؛

۴. گردآوری منابع، نمونه‌گیری و بازبینی اعتبار منابع اطلاعاتی؛

۵. دسته‌بندی و اولویت‌بندی منابع اطلاعاتی و تجزیه و تحلیل آن‌ها (صادقی فسایی و عرفان‌منش، ۱۳۹۴).

همچنین روش مقایسه تحلیلی به تحلیل نظام‌مند شباهت‌ها و تفاوت‌ها میان مورد‌های بررسی شده می‌پردازد و در نهایت به تبیین‌هایی می‌انجامد که این امکان را فراهم می‌آورد تا جنبه‌هایی از هر پدیده را توضیح دهند. مراحل کار در این روش بدین شرح است: (۱) توصیف طرح مقایسه‌شده به صورت کامل و درک‌شدنی؛ (۲) بررسی مفهوم توضیحی داده‌های خام یا تعبیر و تفسیر اطلاعات؛ (۳) ثبت اطلاعات به شکل ستونی و جداگانه به منظور سهولت انطباق مطالب؛ (۴) انطباق اطلاعات حاصل شده (الماسی، ۱۳۸۹).

به منظور پاسخ‌دادن به پرسش تحقیق کنونی (وضعیت حکمرانی بخش آموزش از منظر نظام ارتباطی آن در کشور ما و دیگر کشورهای جهان چگونه است؟)، ابتدایی‌ترین گام بررسی کارکرد نهاد متولی

مضمون اصلی در حکمرانی بحث «انسجام و یک‌پارچگی» در ساختارسازی و تصمیم‌گیری است (Risteska et al., 2010)؛ بنابراین به منظور افزایش بعد انسجام و یک‌پارچگی و به عبارتی بالابردن میزان هم‌افزایی در سطح کلان تصمیم‌گیری به نوعی فراحکمرانی نیازمندیم. به عبارت دیگر، در فراحکمرانی تلاش بر آن است که در هر فرایند تصمیم‌گیری، همه کنشگرها و بخش‌های مرتبط و هم‌افزا در کنار یکدیگر در نظر گرفته شوند تا با هدایتشان تصمیم مربوطه به جامع‌ترین و مؤثرترین نحو ممکن اتخاذ شود؛ بنابراین در فراحکمرانی و به تبع آن، در حکمرانی بخش آموزش، یکی از مهم‌ترین امور در نظر گرفتن و تعریف حوزه‌های هم‌افزایی بخش آموزش است. با انتخاب بخش‌های هم‌افزا و مرتبط با بخش آموزش می‌توان تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های مربوط را به شیوه‌ای جامع اتخاذ کرد و در نتیجه، چرخه‌های سیاست‌گذاری و پیامدهای آن را در تمامی بخش‌های مرتبط با آن رصد، ارزیابی و کنترل کرد تا این چرخه هرچه بهتر پیگیری شود و بازخوردهای لازم تأمین شوند. در پژوهش کنونی، هدف بررسی حوزه‌های هم‌افزایی بخش آموزش در کشورهای جهان به منظور ارائه برخی پیشنهادها برای کشور است.

از آنجاکه مطالعه کنونی به بررسی حکمرانی بخش آموزش از منظر نظام ارتباطی آن می‌پردازد، توضیحاتی درباره نظام ارتباطی آموزش ارائه می‌شود. اصطلاح نظام ارتباطی آموزش را خورسندی طاسکوه برای اشاره به ارتباط بخش آموزش با سایر بخش‌های مرتبط به کار برده است. وی با بررسی نظام آموزش کشور به دو زیرنظام آموزش و پرورش و آموزش عالی پرداخته است و به منظور بررسی نظام ارتباطی آموزش، روابط میان این دو زیرنظام را بررسی کرده است؛ زیرا بخش آموزش ارتباط ساختارمند چندانی با سایر حوزه‌ها در کشور ندارد و به منظور بررسی نظام ارتباطی آموزش در کشور، صرف بررسی ارتباط میان دو زیرنظام آموزش و پرورش و آموزش عالی را مکفی دانسته است (خورسندی طاسکوه، ۱۳۸۵). نتایج بررسی خورسندی طاسکوه در مورد گسست میان آموزش و پرورش و آموزش عالی به تفصیل در بخش ۳ آمده است. همچنین با مدنظر قراردادن این موضوع که آموزش پزشکی ذیل حوزه تصدی‌گری وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی است و نیز با در نظر گرفتن اینکه هریک از دو زیرنظام آموزش و پرورش و آموزش عالی به ترتیب ذیل حوزه تصدی‌گری وزارت آموزش و پرورش و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری‌اند، درمی‌یابیم که حکمرانی بخش آموزش در کشور در سنجش با سایر کشورها از یک‌پارچگی و انسجام بهره‌مند نیست؛ زیرا در بسیاری از کشورهای جهان نه فقط امور مرتبط با این سه حوزه ذیل یک وزارتخانه یا نهاد، که معمولاً موسوم به وزارت آموزش است، اداره می‌شود، بلکه امور برخی دیگر از حوزه‌ها (از جمله فرهنگ، ورزش، جوانان) در حکم حوزه هم‌افزایی بخش

جدول ۱: نام نهاد متولی بخش آموزش در کشورهای گوناگون

کشور	نام نهاد متولی بخش آموزش
فرانسه	وزارت ملی آموزش، آموزش عالی و پژوهش (Ministère de l'Éducation nationale, de l'Enseignement supérieur et de la Recherche)
استرالیا	وزارت آموزش، علوم و کارآموزی (Department of Education, Science and Training)
باهاما	وزارت آموزش، علوم و فناوری (Ministry of Education, Science, and Technology)
بلژیک	وزارت جامعه فرانسوی‌ها، دپارتمان آموزش و پژوهش‌های علمی (Ministry of the French Community, Department of Education and Scientific Research)
جمهوری چک	وزارت آموزش، جوانان و ورزش (Ministry of Education, Youth and Sports)
کرواسی	وزارت علوم و آموزش (Ministry of Education and Science)
استونی	وزارت آموزش و پژوهش (Ministry of Education and Research)
آلمان	وزارت آموزش و پژوهش (Ministry of Education and Research)
ایسلند	وزارت آموزش، علوم و فرهنگ (Ministry of Education, Science and Culture)
هندوستان	وزارت توسعه منابع انسانی (Ministry of Human Resource Development) هیئت مرکزی آموزش متوسطه (Central Board of Secondary Education)
اندونزی	وزارت ملی آموزش و فرهنگ (Department of Education and Culture) وزارت آموزش عالی، پژوهش و فناوری (Ministry of Education Higher and Technology Research)
ایتالیا	وزارت دانشگاه‌ها و پژوهش‌های علمی و فناوریانه (Ministry for Universities and Scientific and Technological Research) وزارت آموزش عمومی (Ministry of Public Education)
ایرلند	وزارت آموزش و علوم (Department of Education and Science)
ژاپن	وزارت آموزش، فرهنگ، ورزش و فناوری (Ministry of Education, Culture, Sports, Science and Technology)
کره جنوبی	وزارت آموزش و توسعه منابع انسانی (Ministry of Education and Human Resources Development)
لیختن اشتاین	وزارت علوم و آموزش (Ministry of Science and Education)
لوکزامبورگ	وزارت آموزش و کارآموزی (Ministry of Education and Training)
مکزیک	دبیرخانه آموزش عمومی (Secretary of Public Education)
مراکش	وزارت آموزش عالی و پژوهش علمی (Ministry of Higher Education and Scientific Research)
هلند	وزارت آموزش، فرهنگ و علوم (Ministry of Education, Culture and Science)
نروژ	وزارت آموزش و پژوهش (Ministry of Education and Research)
لهستان	وزارت ملی آموزش (Department of National Education) وزارت علوم و آموزش عالی (Ministry of Science and Higher Education)
صربستان	وزارت آموزش و ورزش (Ministry of Education and Sports)
اسپانیا	وزارت آموزش، فرهنگ و ورزش (Ministry of Education, Culture and Sports)
سوئد	وزارت آموزش، پژوهش و فرهنگ (Ministry of Education, Research and Culture) مرکز آموزش عالی سوئد (Swedish Center for Higher Education)
یونان	وزارت ملی آموزش، پژوهش و دین (Ministry of National Education, Research and Religion)
لاتویا	وزارت آموزش و علوم (Ministry of Education and Science)
اسلونی	وزارت آموزش، علوم و ورزش (Ministry of Education, Science and Sports)



در این کشورها در قالب جدول ۲ نشان داده شده است.

### ۳. تجزیه و تحلیل داده‌ها

اولین نکته در مورد نحوه نام‌گذاری نهاد آموزش در کشورهای گوناگون این است که در بسیاری از کشورها، برخلاف کشور ما، آموزش عمومی و آموزش عالی پیوستاری در نظر گرفته شده است که تصدی آن نیز برعهده نهاد (وزارت آموزش) گذاشته شده است که این خود گویای بسیاری از مسائل است؛ البته در تعدادی از کشورها نظیر ایتالیا و لهستان، کامرون و نیز برخی از کشورهای اسلامی نظیر ازبکستان، عربستان، لبنان، عمان، عراق، کویت و اندونزی میان زیرنظام آموزش عالی و آموزش و پرورش تفکیک قائل شده‌اند. حال باید این نکته بررسی شود که واگذاری امور تعلیم و تربیت کشور به دو وزارتخانه حاوی چه نکات مثبت و منفی است؛ زیرا بسیاری از صاحب‌نظران ایرادهای بسیاری را بر جداسازی وزارت آموزش و پرورش از آموزش عالی وارد می‌دانند؛ مثلاً باقری بر این باور است که این جداسازی منجر به گسست انگیزشی (بی‌انگیزه یا کم‌انگیزه‌بودن دانشجویان تازه‌وارد برای ادامه تحصیل در رشته تحصیلی انتخابی خود)، گسست محتوایی (نبود هم‌پوشی لازم بین محتوای دروس آموزش متوسطه و آموزش عالی) و گسست روش شناختی (آشناکردن دانش‌آموزان با روش پژوهش و تفکر انتقادی) میان آموزش و پرورش و آموزش عالی شده است؛ بنابراین در صورتی که وزن و اهمیت نکات مثبت این جداسازی بیش از نکات منفی آن است، باید سعی شود با ارائه برخی راهکارها به برطرف کردن نکات منفی و کاستی‌ها پرداخت. اما چنانچه وزن و اهمیت نکات منفی بیش از نکات مثبت باشد، با بررسی‌های دقیق‌تر نو به منظور ادغام دو وزارتخانه آموزش و پرورش و آموزش عالی درافکنده شود (باقری به نقل از خورسندی طاسکوه، ۱۳۸۵). همچنین پیشنهاد می‌شود پژوهش‌هایی پیرامون جداسازی آموزش پزشکی از آموزش عالی، براساس پیامدهای آن و نیز براساس تجربیات جهانی، ارائه شود تا درباره ادامه روند جدابودن این دو عرصه از یکدیگر یا ادغامشان با یکدیگر تصمیم‌گیری شود؛ زیرا در بیشتر کشورها و نیز کشورهای پیشرفته (مثلاً ایالات متحده و بریتانیا) آموزش پزشکی از آموزش عالی جدا نشده است. همچنین از آغاز تأسیس وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی در سال ۱۳۶۴ تاکنون، برای بازگرداندن آموزش پزشکی به دامان آموزش عالی تلاش‌های بسیاری شده است که هیچ‌یک به ثمر ننشسته است<sup>[۱]</sup> (ناصری، ۱۳۹۶). این خود ضرورت بررسی دیدگاه‌های مخالف و موافق این جداسازی به منظور تصمیم‌گیری در مورد ادامه آن را نشان می‌دهد.

نکته دیگر این است که در برخی از کشورها، امور مربوط به حوزه تعلیم و تربیت با امور مربوط به حوزه‌هایی مانند پژوهش، فناوری، علوم، جوانان، ورزش، فرهنگ و توسعه منابع انسانی ذیل

آن حوزه است که بارزترین نمودش در نام آن نهاد جست‌وجو می‌شود. کشورهای گوناگون بنا به نیازها و اقتضانات خود، نام‌های متفاوتی بر نهاد متولی آموزش گذاشته‌اند و به تبع این تفاوت، کارکردهای گوناگونی را برای آن در نظر دارند؛ بنابراین در بخش داده‌های تحقیق نخست نام‌گذاری نهاد متولی آموزش در کشورهای گوناگون (۸۲ کشور) و مسائل مرتبط با آن با روش مطالعه اسنادی و مقایسه تحلیلی بررسی شده است. شایان ذکر است که کشورهای بررسی شده اغلب کشورهای پرجمعیت و پیشرو در امر آموزش و از قاره‌های گوناگون‌اند. پس از آن در بخش تجزیه و تحلیل داده‌ها، به بررسی نحوه نام‌گذاری نهاد آموزش در کشورهای گوناگون پرداخته شده است و در پایان در بخش نتیجه‌گیری، پیشنهادهایی برای حکمرانی آموزش کشور ارائه شده است.

در کشورهایی نظیر ایتالیا، لهستان، کامرون، عربستان سعودی، کویت، لبنان، عراق، عمان، ازبکستان و اندونزی (فقط ۱۰ کشور از ۸۲ کشور بررسی شده در پژوهش) برای تصدی امور مربوط به آموزش عمومی و آموزش عالی دو وزارتخانه مجزا در نظر گرفته شده است، اما بسیاری از کشورهای دیگر، عنوان وزارت آموزش<sup>۱</sup> را برای نهاد متولی آموزش عمومی و آموزش عالی برگزیده‌اند؛ بنابراین می‌توان این‌گونه استنباط کرد که در بسیاری از کشورها، آموزش عمومی و آموزش عالی در حکم پیوستار در نظر گرفته شده است؛ بنابراین بیش از یک نهاد متولی نیز برای آن در نظر گرفته نشده است. این کشورها عبارت‌اند از نیوزیلند، چین، فیلیپین، مالزی، بنگلادش، سنگاپور، تایلند، پاکستان، افغانستان، تاجیکستان، قزاقستان، ترکمنستان، آذربایجان، ارمنستان، ترکیه، سوریه، اردن، قطر، مصر، لیبی، نیجریه، آفریقای جنوبی، روسیه، بلاروس، لیتوانی، اوکراین، گرجستان، مجارستان، رومانی، جمهوری اسلواکی، قبرس، آلبانی، رواندا، فنلاند، دانمارک، بلژیک، بریتانیا، پرتغال، آرژانتین، برزیل، ونزوئلا، جامائیکا و ایالات متحده (۴۳ کشور از ۸۲ کشور بررسی شده در پژوهش). همان‌گونه که مشاهده می‌شود، این کشورها از تمامی قاره‌ها و با ویژگی‌های زمینه‌ای (فرهنگی، تاریخی، جغرافیایی، اجتماعی) متفاوتی‌اند.

همچنین برخی دیگر از کشورها افزون بر سپردن امور مربوط به آموزش عالی و آموزش و پرورش به یک نهاد، بخش‌های دیگری را نیز نظیر علوم، پژوهش، فرهنگ، ورزش، فناوری، توسعه منابع انسانی، کارآموزی، دین و جوانان به حوزه تصدی این نهاد افزوده‌اند؛ البته در این میان کشورهای ایتالیا و لهستان با تمایز قائل شدن میان نهاد متولی آموزش عمومی و آموزش عالی، حوزه‌های دیگری را نیز ذیل تصدی وزارت آموزش عالی خود آورده‌اند. به منظور فراهم کردن امکان مقایسه نظام ارتباطی آموزش در کشورهای بررسی شده، همه بخش‌های متعامل با حوزه آموزش

جدول ۲: حوزه‌های متعامل با بخش آموزش در کشورهای گوناگون

کشور	حوزه متعامل آموزش								
	پژوهش	فناوری	علوم	کارآموزی	جوانان	فرهنگ	ورزش	دین	توسعه منابع انسانی
آلمان	*								
فرانسه	*								
استونی	*								
مکزیک	*								
نروژ	*								
بلژیک	*								
یونان	*							*	
ایتالیا	*	*							
اندونزی	*	*							
سوئد	*								
اتریش			*			*			
ژاپن		*				*	*		
اسپانیا						*	*		
جمهوری چک				*			*		
صربستان							*		
اسلونی			*				*		
بلغارستان			*						
لوکزامبورگ				*		*			
استرالیا			*			*			
لاتویا			*						
لهستان			*						
ایرلند			*						
لیختن‌اشتاین			*						
ایسلند			*			*			
هلند			*			*			
باهاما		*				*			
کرواسی			*			*	*		
کره جنوبی								*	
هندوستان								*	
فراوانی	۱۰	۴	۱۲	۲	۱	۵	۶	۱	۲
درصد	۳۵	۱۴	۴۲	۷	۳/۵	۱۷/۵	۲۱	۳/۵	۷

خوبی دارند و هریک به نسبت جمعیت خود جزو کشورهای موفق در عرصه ورزش به‌شمار می‌روند.<sup>[۲]</sup> نکته جالب در نگاه این کشورها به مقوله ورزش به‌منزله مکمل آموزش است. از پیامدهای مثبت این امر، اشاعه ورزش همگانی در قالب فرهنگ و سبک زندگی و برنامه‌ریزی منسجم در دستگاه‌های اجرایی برای ترویج هرچه بیشتر آن در سطح جامعه است؛ چراکه امروز تأکید بسیاری بر بهبود سلامت جسمانی و در پی آن سلامت روانی شهروندان جوامع از راه ترویج ورزش همگانی است.<sup>[۳]</sup>

یک نهاد یا وزارتخانه پیگیری می‌شوند. این نکته حاکی از آن است که در این کشورها سعی شده است منابع انسانی و نیروی جوان و نوجوان خود را به صورتی هماهنگ و در قالب برخی از حوزه‌های هم‌افزا تربیت کنند. حال نوبت به تفاوت کشورها در انتخاب حوزه‌های هم‌افزا و متعامل با آموزش می‌رسد؛ مثلاً در کشورهای صربستان، اسپانیا، ژاپن و جمهوری چک بخش آموزش و بخش ورزش در یک وزارتخانه سازمان‌دهی شده‌اند. چنانچه به جایگاه این کشورها در المپیک نگاهی بیندازیم متوجه می‌شویم که رتبه

۱۳ کشور یک حوزه، ۱۱ کشور دو حوزه، و ۱ کشور سه حوزه را به‌منزله حوزه متعامل با بخش آموزش برگزیده‌اند.

### نتیجه‌گیری

در مطالعه کنونی تلاش شد به این پرسش پاسخ داده شود که وضعیت حکمرانی بخش آموزش از منظر نظام ارتباطی آن در کشور ما و دیگر کشورهای جهان چگونه است؟ بدین‌منظور با اتخاذ رویکرد کیفی و بهره‌گیری از روش‌های پژوهشی مطالعه اسنادی و تحلیل مقایسه‌ای، نظام ارتباطی آموزش (زیرنظام‌های بخش آموزش و ارتباط آن با سایر بخش‌ها) در کشورهای گوناگون بررسی شد. نتایج اولیه حاکی از آن بود که در میان ۸۲ کشور، فقط ۱۰ کشور شامل دو نهاد مجزا برای اداره امور مربوط به آموزش عمومی و آموزش عالی‌اند و سایر کشورها فقط یک نهاد (معمولاً تحت عنوان وزارت آموزش) برای اداره امور نظام تعلیم و تربیت را شامل می‌شوند. همچنین مشخص شد که در ۲۹ کشور، افزون بر امور مربوط به حوزه آموزش، امور مرتبط با حوزه‌هایی نظیر پژوهش، فناوری، علوم، کارآموزی، جوانان، فرهنگ، ورزش، دین، و توسعه منابع انسانی بنابر اقتضائات و ویژگی‌های زمینه‌ای بومی را نهاد متولی آموزش اداره می‌کند؛ بنابراین تلاش شد تا حدودی تأثیر نحوه حکمرانی بخش آموزش از منظر نظام ارتباطی آن در تعدادی از دستاوردهای اجتماعی در برخی از کشورها بررسی شود. همچنین وضعیت نظام ارتباطی آموزش کشور (با تمرکز بر بخش آموزش عالی) بررسی شد که یافته‌های آن در بخش ۳ ارائه شد. با رسیدن به توصیفی اجمالی از وضعیت حکمرانی بخش آموزش از منظر نظام ارتباطی آن در کشور ما و سایر کشورها، در ادامه برخی پیشنهادها بیان می‌شوند.

در سال ۱۳۷۹ مطابق با ماده ۹۹ برنامه پنج‌ساله سوم توسعه و با ابلاغ رئیس‌جمهور وقت، «وزارت فرهنگ و آموزش عالی» به «وزارت علوم، تحقیقات و فناوری» تغییر نام یافت. در این تغییر نام، سه حوزه علوم، پژوهش و فناوری جایگزین حوزه فرهنگ شدند و بدین‌ترتیب کشور ما نیز همانند ژاپن جزو معدود کشورهایی شد که سه حوزه هم‌افزا را برای بخش آموزش خود برگزیده است. سه حوزه علوم، پژوهش و فناوری در میان حوزه‌های متعامل آموزش در کشورهای گوناگون به ترتیب با ۴۲، ۳۵ و ۱۴ درصد رتبه اول، دوم و پنجم را در میان حوزه‌های گوناگون دارند و حوزه فرهنگ با ۱۷/۵ درصد رتبه چهارم را دارد. این انتخاب و بازطراحی نظام ارتباطی آموزش کشور مطابق با اهمیت این حوزه‌های هم‌افزای منتخب نزد دیگر کشورهای جهان است؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود که پیامدهای تغییر نام «وزارت

همچنین در کشورهایی مانند کره جنوبی<sup>۱</sup> و هندوستان، که اخیراً پیشرفت‌های شگرفی در حوزه علم، فناوری و اقتصاد داشته‌اند،<sup>۱۴</sup> به آموزش درحکم موتور محرک توسعه منابع انسانی نگریسته می‌شود و ذیل یک وزارتخانه به این دو مورد پرداخته می‌شود. همچنین در کشورهایی نظیر ایسلند، ژاپن، هلند و سوئد امور مربوط به آموزش و بخش فرهنگ در یک وزارتخانه بررسی می‌شوند. همچنین کشورهای سوئد، نروژ، ایتالیا، آلمان، استونی، کرواسی و فرانسه امور مربوط به آموزش و پژوهش را ذیل یک وزارتخانه پیگیری می‌کنند.<sup>۱۵</sup> در ادامه حوزه‌هایی که کشورهای گوناگون برگزیده‌اند تا امورشان به همراه امور بخش آموزش ذیل یک نهاد پیگیری شوند، با عنوان «حوزه متعامل آموزش» براساس میزان تکرار در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳: رتبه و درصد حوزه‌های متعامل با بخش آموزش

حوزه متعامل آموزش	رتبه	درصد
علوم	۱	۴۲
پژوهش	۲	۳۵
ورزش	۳	۲۱
فرهنگ	۴	۱۷/۵
فناوری	۵	۱۴
توسعه منابع انسانی	۶	۷
کارآموزی	۶	۷
دین	۷	۳/۵
جوانان	۷	۳/۵

۴۲ درصد از کشورهای موجود در جدول ۳، حوزه علوم را به‌منزله حوزه متعامل آموزش برگزیده‌اند که رتبه اول را در میان نه حوزه علوم، پژوهش، فرهنگ، ورزش، فناوری، توسعه منابع انسانی، کارآموزی، دین، و جوانان داراست. پس از آن، حوزه پژوهش با ۳۵ درصد حائز رتبه دوم است. در پایان حوزه‌های دین و جوانان با ۳/۵ درصد در رتبه آخر جای گرفته‌اند. در ادامه تعداد کشورهایی که فقط یک حوزه را به‌منزله حوزه متعامل با آموزش برگزیده‌اند و نیز تعداد کشورهایی که دو و نیز سه حوزه را برگزیده‌اند در قالب جدول ۴ ارائه می‌شوند.

جدول ۴: کشورها و تعداد حوزه‌های متعامل با بخش آموزش آن‌ها

تعداد کشور	یک حوزه متعامل	دو حوزه متعامل	سه حوزه متعامل
	۱۳	۱۱	۱

۱. ساعات آموزشی در کره جنوبی با رقم ۱۴ ساعت در روز و ۵ روز در هفته، بالاترین میزان در کشورهای جهان به‌شمار می‌رود. بدین‌ترتیب، برای توسعه منابع انسانی تأکید ویژه‌ای بر آموزش است و برای نیل به این هدف از ظرفیت بخش آموزش استفاده شده است (به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت آموزش و پرورش).

را با جداسازی آموزش پزشکی از آموزش عالی ابراز کرد، ولی پس از مدتی این اقدام را برای جامعه پزشکی کشور مفید و پربرکت برشمرد. همچنین با روی کار آمدن دولت هفتم، رئیس جمهور وقت با این جداسازی مخالفت کرد و فرهادی را به علت مخالفتش با این جداسازی به سمت وزیر بهداشت گماشت؛ اما فرهادی هم پس از مدتی به جنبه‌های مثبت این جداسازی پرداخت و در نامه‌ای به رئیس جمهور وقت، خواستار حفظ وضع موجود شد. همچنین در سال ۱۳۸۳ و هنگام بازطراحی ساختار وزارت علوم، طبق مصوبه مجلس مقرر شد که آموزش پزشکی به آموزش عالی بازگردد که با مخالفت وزیر بهداشت وقت، دکتر پزشکیان، مواجه شد و عملی نشد. همچنین مردنی و همکاران با وجود ذکر برخی از دستاوردهای ادغام آموزش پزشکی با وزارت بهداشت، برخی از چالش‌ها را نیز بر این اقدام مترتب دانسته‌اند که در صدر آن‌ها می‌توان به روشن‌نبودن اهداف کلان، حیطه‌های راهبردی، و راهبردهای اجرایی و تدوین نکردن سند ملی راهبردی مرتبط<sup>[۱]</sup> اشاره کرد (مردنی و همکاران، ۱۳۹۳). آخرین موضع‌گیری یکی از مسئولان آموزش عالی در قبال تفکیک آموزش پزشکی از آموزش عالی، سخنرانی رئیس دانشگاه تهران دکتر نیلی احمدآبادی، در مراسم آغاز سال تحصیلی با حضور رئیس جمهور در تاریخ ۱۵ مهر ۱۳۹۶ است (سخنرانی نیلی احمدآبادی، ۱۳۹۶). وی با اشاره به تفکیک بین آموزش عالی و آموزش پزشکی اظهار داشت: «علیرغم همکاری بسیار خوبی که بین دو وزارتخانه ذریبط و دانشگاه‌های دو طرف و معاونت علم و فناوری ریاست جمهوری وجود دارد، این جدایی عملاً کشور را از یک پتانسیل هم‌افزایی ارزشمند محروم کرده و اگر به فرض در دهه اول انقلاب این تفکیک ضرورت داشت، امروز توجیهی برای ادامه این وضع وجود ندارد، همان‌گونه که در سایر کشورها هم این رویه ملاحظه نمی‌شود». وی با اظهار اینکه رتبه علمی کشور در سال‌های اخیر بسیار بهبود یافته و تعداد بیشتری از دانشگاه‌های کشور در فهرست دانشگاه‌های معتبر جهان قرار گرفته‌اند، ابراز کرد: «قطعاً در صورت یک‌پارچگی در آموزش عالی رتبه دانشگاه‌های جامعه ایران بسیار بهتر از این می‌بود و دستاوردهای علمی و فناوریانه بسیار بیشتری نصیب کشور می‌شد»؛ بنابراین به نظر می‌رسد انجام پژوهش‌های تخصصی پیرامون جداسازی آموزش پزشکی از آموزش عالی و مصاحبه با مخالفان و موافقان آن می‌تواند روشن‌کننده بسیاری از مسائل در این مورد باشد.

[۲] شایان ذکر است که کشورهای ژاپن (با جمعیت ۱۲۶ میلیون نفر)، اسپانیا (با جمعیت ۴۸ میلیون نفر)، صربستان (با جمعیت ۸ میلیون نفر)، جمهوری چک (با جمعیت ۱۰ میلیون نفر)، و اسلونی (با جمعیت ۲ میلیون نفر) در المپیک تابستانی ۲۰۱۶ به ترتیب رتبه‌های ۶، ۱۴، ۳۲، ۴۳ و ۴۵ را در جدول توزیع مدال کسب کرده‌اند؛ البته در مورد کسب

فرهنگ و آموزش عالی» به «وزارت علوم تحقیقات و فناوری» مطالعه شود و نیز بررسی شود که این اقدام تا چه میزان به برآورده شدن اهداف ماده ۹۹ برنامه پنج‌ساله سوم توسعه مبنی بر «پیشبرد برنامه‌ریزی، حمایت و پشتیبانی، ارزیابی و نظارت، بررسی و تدوین سیاست‌ها و اولویت‌های راهبردی در حوزه‌های تحقیقات و فناوری» کمک کرده است. به عبارت دیگر، این نکته بررسی شود که مطابق با بند ۹۹ برنامه سوم، اصلاحات لازم در اهداف، وظایف و تشکیلات وزارتخانه مذکور تا چه حد و چگونه انجام شده است. [۶] در پایان، به نظر می‌رسد با توجه به نیازها و اقتضانات کنونی کشور، می‌توان با اتخاذ برخی از سیاست‌ها و جهت‌گیری‌های کلی زمینه‌ای فراهم کرد که در آن اهداف کلان و نیازهای کنونی جامعه به مدد ظرفیت بخش آموزش پیگیری شود تا به نتیجه بهتری در این مورد دست یابیم؛ زیر با توجه به تجارب سایر کشورها این‌گونه به نظر می‌رسد که بخش آموزش از ظرفیت بالقوه بالایی برای پیگیری بسیاری از اهداف و سیاست‌ها در بسیاری از حوزه‌های دیگر بهره‌مند است. به بیان دیگر، می‌توان با بررسی تجربیات سایر کشورها و نیز نیازها و شرایط کنونی کشور، بازطراحی حکمرانی آموزش را بررسی کرد؛ بنابراین به نظر می‌رسد اکنون زمان آن رسیده است که به منظور افزایش اثربخشی و کارایی دستگاه‌ها و نهادهای حکومتی، به بازنگری اهداف توسعه کشور در قالب بازطراحی دستگاه‌ها و نهادهای مبادرت کنیم. این بازطراحی ممکن است صرفاً محدود به حوزه آموزش نباشد و سایر حوزه‌ها را نیز دربرگیرد، اما از آنجاکه تمرکز اثر حاضر بر حوزه آموزش است، پیشنهاد می‌شود مزایای تجمیع حوزه آموزش با سایر حوزه‌ها و راهکارهای تحقق آن و شناسایی حوزه‌های هم‌افزا نیز بررسی شوند. [۷]

## پی‌نوشت

[۱] در اوایل دهه ۱۳۶۰ شمسی، زمزمه‌هایی مبنی بر جداسازی آموزش پزشکی از آموزش عالی و واگذاری آن به وزارت بهداشتی و بهزیستی وقت شکل گرفت. در نهایت در سال ۱۳۶۴ و بنا به دلالتی مانند وضعیت نامطلوب بهداشت و درمان، وضعیت نابسامان آموزش پزشکی و کمبود تعداد پزشکان، اعم از عمومی و متخصص (فراستخواه، ۱۳۸۸)، آموزش پزشکی از آموزش عالی تفکیک شد و ذیل «وزارت بهداشتی و بهزیستی» قرار گرفت و بدین ترتیب وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی تأسیس شد. چندی پس از تأسیس این وزارتخانه، نمایندگان مجلس طرحی را مبنی بر بازگرداندن آموزش پزشکی به آموزش عالی در صحن علنی مجلس ارائه کردند که رأی نیاورد. همچنین دکتر ملک‌زاده، وزیر تازه‌منسوب وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی، در ابتدای دوران تصدی این وزارتخانه در سال ۱۳۶۹، مخالفت خود



شده است. بدین منظور می‌توان نحوه تصویب و تخصیص بودجه تحقیقات و فناوری را پس از این تغییر نام بررسی کرد. مثلاً در برخی از اسناد بالادستی سیاست‌گذاری در کشور، نظیر نقشه جامع علمی کشور آمده است که سهم پژوهش از درآمد ناخالص داخلی تا سال ۱۴۰۴ باید ۴ درصد برسد، که متأسفانه هنوز کمتر از نیم درصد است. آنچه جای افسوس بیشتر دارد این است که با وجود تصویب برخی از مبالغ به‌منزله بودجه پژوهش و علم و فناوری، در عمل مبلغ چندانی از این وجوه به این بخش تخصیص داده نمی‌شود (روزنامه تعادل، کد خبر: ۱۱۶۴۰۸). همچنین به‌منظور بررسی نحوه «ارزیابی و نظارت و نیز بررسی و تدوین سیاست‌ها و اولویت‌های راهبردی در حوزه‌های تحقیقات و فناوری» می‌توان این مسئله را بررسی کرد که این تغییر نام تا چه حد منجر به تغییر ساختار به‌منظور افزایش بهره‌وری و هم‌افزایی نهادهای سیاست‌گذار (شورای عالی انقلاب فرهنگی، وزارت علوم تحقیقات و فناوری، شورای عالی علوم تحقیقات و فناوری، معاونت علم و فناوری ریاست جمهوری و...) شده است.

[۷] حوزه‌های هم‌افزایی، که در مطالعه کنونی با بررسی تجارب سایر کشورها به آن‌ها پرداخته شد، عبارت‌اند از حوزه‌های علوم، پژوهش، فرهنگ، ورزش، فناوری، توسعه منابع انسانی، کارآموزی، دین، و جوانان؛ البته با بررسی شرایط و در نظر گرفتن نیازهای کشور، حوزه‌های دیگری را نیز می‌توان مدنظر قرار داد و به این حوزه‌ها محدود نشد.

### منابع

- ادیب حاج باقری، محسن، پرویزی، سرور و صلصالی، مهوش (۱۳۹۴). روش‌های تحقیق کیفی. تهران: انتشارات بشری.
- الماسی، علی محمد (۱۳۸۹). آموزش و پرورش تطبیقی. تهران: انتشارات رشد.
- خورسندی طاسکوه، علی (۱۳۸۵). نظام ارتباطی آموزش در ایران. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی اجتماعی.
- رشید حاجی خواجه لو، صالح (۱۳۹۶). «ادغام آموزش عالی و چند نکته». روزنامه فرهیختگان، ش ۲۳۵۰، ۱۳۹۶/۸/۴.
- روزنامه تعادل. مورخ ۱۳۹۶/۱۱/۱۶. «سهم ناچیز علم و پژوهش در بودجه کشور». کد خبر ۱۱۶۴۰۸.
- شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۰). نقشه جامع علمی کشور. تهران: انتشارات شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- صادقی فسلی، سهیلا و عرفان‌منش، ایمان (۱۳۹۴). «پژوهش اسنادی در علوم اجتماعی: مورد مطالعه تأثیرات مدرن‌شدن بر خانواده ایرانی». راهبرد فرهنگ، ۲۰.
- قانع‌راد، محمد امین (۱۳۹۶). «آموزش عالی به کجا می‌رود؟ اسطوره شتاب علمی و رشد تعداد مقالات». (یادداشت)، بازیابی‌شده در: <https://www.mehrnews.com/news/4239661>
- فراسخواه، مقصود (۱۳۸۸). سرگذشت و سوانح دانشگاه در ایران. تهران:

مدال، عامل جمعیت نیز مهم است که باید آن را در نظر داشت. همچنین کشورهای مانند اسپانیا و صربستان همواره در ورزش‌های گروهی جزو کشورهای مدعی به‌شمار می‌روند.

[۳] ورزش همگانی و ورزش‌های گروهی سنتی علاوه بر زمینه‌سازی برای بالابردن سلامت جسمی و روانی در جامعه می‌تواند عامل مؤثری در تأمین سلامت جسمی و روانی، غنی‌سازی اوقات فراغت، گسترش روابط اجتماعی، دور شدن از زندگی ماشینی، بازگشت به طبیعت، افزایش کارایی، زمینه‌سازی برای رشد ورزش قهرمانی باشد. امروز بسیاری از مردم در کشورهای جهان به نوعی با ورزش، چه به صورت حرفه‌ای یا به صورت آماتور، در ارتباط‌اند؛ بنابراین ورزش و ورزش همگانی از جمله اموری است که در جهان به‌صورت جدی مطرح است و نزد کشورهای گوناگون از جهات بسیاری حائز اهمیت است. بدین ترتیب، نقش دولت‌ها در ترویج ورزش همگانی بسیار حائز اهمیت است (رستمی، شریفی، رستمی، ۱۳۹۴). حال باید این نکته بررسی شود که ورزش همگانی، با توجه به مزایای اجتماعی بسیاری که دارد، چه جایگاهی در اهداف و سیاست‌های کلان کشور دارد و برای ترویج آن چه اقدام‌های عملی می‌توان کرد و نیز اینکه این اقدام‌ها را در چه حوزه یا حوزه‌هایی (از قبیل ورزش، آموزش، و...) می‌توان پیگیری کرد.

[۴] کشورهای هندوستان و کره جنوبی، که تا چند دهه پیش جایگاه اقتصادی چندان خوبی در میان کشورهای جهان نداشتند، در سال ۲۰۱۷ به ترتیب با تولید ناخالص داخلی ۲۴۳۹ میلیارد و ۱۵۲۹ میلیارد دلار در جایگاه هفتم و یازدهم اقتصاد جهان قرار گرفته‌اند. همچنین این دو کشور از لحاظ شاخص توسعه انسانی (Human Development Index) به ترتیب از امتیاز ۰/۴۵۱ و ۰/۸۹۴ در سال ۱۹۹۸، به امتیاز ۰/۶۲۴ و ۰/۹۰۱ در سال ۲۰۱۷ رسیده‌اند.

[۵] گفتنی است که هزینه صرف‌شده در تحقیق و توسعه از تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۱۷ در کشورهای آلمان، فرانسه، ایتالیا، سوئد، نروژ، کرواسی و استونی به ترتیب ۱۰/۹، ۶۰، ۲۷/۴، ۱۴/۲، ۵/۸، ۰/۷، و ۰/۵۳ میلیارد دلار آمریکا و نیز نرخ آن به نسبت جمعیت برای این کشورها در سال ۲۰۱۷ به ترتیب ۱۳۵۱، ۹۰۵، ۴۵۲، ۱۴۸۶، ۱۱۲۳، ۱۶۶، و ۱۶۶ دلار امریکاست. نرخ هزینه صرف‌شده در تحقیق و توسعه به جمعیت در این کشورها بالاست. با توجه به اهمیتی که این موضوع برای این کشورها دارد، تجمیع اداره امور مرتبط با پژوهش با بخش آموزش در این کشورها از جمله نکات حائز اهمیت است.

[۶] مثلاً در مورد بررسی نحوه «برنامه‌ریزی، حمایت و پشتیبانی از سیاست‌ها و اولویت‌های راهبردی در حوزه‌های تحقیقات و فناوری» می‌توان این نکته را بررسی کرد که این تغییر نام چقدر منجر به تغییر ساختار به‌منظور بهبود و ارتقای تحقیقات و فناوری

- Sorensen, E. (2006). "Metagovernance: The Changing Role of Politicians in Processes of Democratic Governance". *American Review of Public Administration*, 36, 98-114.
- The World Bank. (1991). *Managing Development: The Governance Dimension*. Washington D.C.
- <http://gene.eu/about-gene/ministries-and-agencies/>.
- <http://www.un-spider.org/links-and-resources/institutions/cameroonian-ministry-higher-education-minesupm>.
- <http://www.kuwaitculture.com/mohe/mohe-scholarship-application-requirements/mohe-scholarship-application-requirements-and-checklist-students>.
- <https://www.mohe.gov.om/?&culture=en>. <https://www.theguardian.com/sport>.
- [https://en.wikipedia.org/wiki/List\\_of\\_countries\\_by\\_GDP\\_\(nominal\)](https://en.wikipedia.org/wiki/List_of_countries_by_GDP_(nominal)).
- [https://en.wikipedia.org/wiki/List\\_of\\_countries\\_by\\_Human\\_Development\\_Index](https://en.wikipedia.org/wiki/List_of_countries_by_Human_Development_Index).
- <http://www.medu.ir/?ocode=100010876>.
- مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- مرندی، سید علیرضا؛ عزیزی، فریدون؛ لاریجانی، باقر؛ جمشیدی، حمیدرضا؛ و همکاران. (۱۳۹۳). «سلامت در جمهوری اسلامی ایران ۱۳۹۳-۱۳۵۷: تولیت، نظام تأمین منابع، ارائه خدمات، آموزش و پژوهش»، مسائل مرتبط با سلامت و فرهنگ اسلامی ایرانی. تهران: انتشارات اطلاعات.
- معاونت حقوقی ریاست جمهوری (۱۳۹۰). قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۵-۱۳۹۰. تهران: معاونت تدوین، تقیح و انتشار قوانین و مقررات ریاست جمهوری.
- ناصری، محمود (۱۳۹۵). «تجربه آموزش پزشکی و مسئله دانشگاه: بررسی امکان الگوبرداری از آموزش پزشکی در ایران». بازیابی شده در: <http://jahanshahr.net/Post/24>
- سخنرانی دکتر نیلی احمدآبادی در مراسم آغاز سال تحصیلی ۱۳۹۶-۱۳۹۷ با حضور ریاست جمهوری، بازیابی شده در:
- Bevir, Mark (2013). *Governance: A very short introduction*. Oxford, UK: Oxford University Press
- Evans, J. (2012). *Environmental Governance*. Abingdon: Routledge.
- Hufty, Marc (2011). "Investigating Policy Processes: The Governance Analytical Framework (GAF)". In: Wiesmann, U., Hurni, H., et al.) eds (. *Research for Sustainable Development: Foundations, Experiences, and Perspectives*. Bern: Geographica Bernensia.
- Kooiman, J. (2003). *Governing as Governance*. Thousand Oaks: Sage publications.
- Mcguinn, Patrick and Manna, Paul. (2013). *Education Governance for the Twenty-First Century: Overcoming the Structural Barriers to School Reform*. Washington D. C.: Brookings Institution Press.
- Onyango, P. and Jentoft, S. (2010). "Assessing Poverty in small-scale fisheries in Lake Victoria, Tanzania". *Fish and Fisheries*. 11, 250-63.
- Risteska, Marija, Mickovska, Ana, Mphill, Raleva, Kraja, Mirjana and Sejdini. (2010). *Good governance in education: Case studies: Municipalities of Kisela Voda, Kriva Palanka, Vrapchishte, Bitola, Strumica, Shtip, Kicevo and Veles*. Skopje: EIJL University Publications.